

بررسی میزان مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد واحد شوشتر در سال ۱۳۹۷)

خیام عباسی^{۱*}، عبدالرضا هاشمی^۲

۱- استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد شوشتر، شوشتر، ایران.

۲- استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد شوشتر، شوشتر، ایران.

چکیده

یکی از مفاهیم حوزه سیاست در دوران مدرن مفهوم «مشارکت سیاسی» است که اذهان بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی را به خود مشغول کرده و به خاطر ایجاد دگرگونی و تحول در ساختار جامعه و ایجاد «توازن قدرت میان دولت و جامعه مدنی» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مشارکت سیاسی به آن دسته از کنش‌های اختیاری گفته می‌شود که فرد به علت جهت‌دهی و تعیین روند زندگی اجتماعی به آن مبادرت می‌کند. پژوهش حاضر تلاش دارد تا از نظر تجربی عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی را در میان دانشجویان دانشگاه آزاد شوشتر بررسی کند. روش پژوهش پیمایش است و اطلاعات مورد نیاز به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، با توزیع پرسشنامه در بین ۳۸۰ نفر از دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، فنی و کشاورزی جمع‌آوری شده است. ارزیابی یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS حاکی از وجود رابطه بین متغیرهای

سطح تحصیلات پدر، اعتقاد به رسیدن به هدف، موقعیت‌های مقتضی مشارکت و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان مشارکت سیاسی است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت - مشارکت سیاسی - دانشجویان دانشگاه آزاد شوشتر

مقدمه

«مشارکت»^۱ در لغت به معنای «شرکت کردن»، «انبازی کردن» (معین، ۱۳۸۴:۲۸۱) و نیز «به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی» با توجه به رابطه میان تلاش و امکانات است. (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲:۱۲).

«مشارکت سیاسی»^۲ از مفاهیم دوران معروف به مدرنیسم است؛ از زمان شکل‌گیری این دوره، این مفهوم به عنصری بنیادین در فلسفه سیاسی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تبدیل شد و یکی از وجوه «توسعه سیاسی»^۳ به شمار آمد. در توسعه سیاسی، «توازن قدرت میان دولت و جامعه مدنی» بسیار حائز اهمیت است. جیمز کلمن توسعه سیاسی را موقعیتی می‌داند که در آن، نظام سیاسی عامدانه و آگاهانه برای ارتقاء و افزایش کیفی گنجایش و ظرفیت سیاسی خود، اقدام می‌کند؛ رسیدن به این هدف را نیز از طریق ایجاد نهادها دنبال می‌کند. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۷:۳۹). مک کلاوسکی معتقد است «مشارکت سیاسی به آن دسته از کنش‌های اختیاری گفته می‌شود که فرد به لحاظ جهت‌دهی و تعیین روند اجتماعی و سیاسی به آن مبادرت می‌ورزد» (همان - ص ۴۰).

در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی مدرن، مفهوم مشارکت سیاسی بسیار گسترده‌تر از آن است که در تعاریف صاحب‌نظران آمده و طیفی را شامل می‌شود که فعالیت‌های اصلاح‌گرایانه چون رأی‌دهی، رأی‌گرفتن، همه‌پرسی، تظاهرات، انتخابات و فعالیت‌های معطوف به انقلاب با هدف براندازی یک رژیم سیاسی و جایگزین کردن رژیمی دیگر به جایش در آن

1. Participation

2. Political Participation

3. Political Development

مضمّر و مستتر است. مشارکت سیاسی همراه با ورود علوم جدید به ایران به صورت مفهومی و در محافل آکادمیک و روشنفکری مطرح شد و دیر زمانی از ورود آن نمی‌گذرد.

توضیح مسأله

در حوزه دانشگاه‌های ایران فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی مشخصاً در ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۳۲ به نقطه بارزی رسید و بعد از آن در جنبش دانشجویی با مشارکت فعالانه در عرصه سیاست به حیات خود ادامه داد. (نک: کریمیان، ۱۳۸۱).

قشر دانشجو که بعد از سال ۱۳۵۷ در اثر توسعه کمی دانشگاه‌ها (دانشگاه‌های دولتی و آزاد) به چند برابر قبل از آن افزایش یافته، اینک فعال‌ترین قشری است که مشارکت سیاسی را نه تنها به عنوان رسالتی برای خود لازم و ضروری می‌داند، بلکه به عنوان «گروه مرجع» در تلاش است تا با الگو و آگاهی بخشیدن به متن جامعه، توسعه سیاسی را نیز با تمرکز بر این مفهوم تسریع کند. بنابراین کنکاش و پژوهش در چند و چون مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی و عوامل مختلف مؤثر بر آن بین دانشجویان از این جهت اهمیت می‌یابد که برون‌رفت از وضعیت موجود و تسریع در فرایند توسعه، وابسته به فعالیت‌های گوناگون جامعه با استفاده از روش‌های نوین است. از نظر سیستمیک، تغییر و تحول در هر خرده سیستمی از جامعه (فی‌المثل حوزه سیاست) می‌تواند به تغییراتی در دیگر حوزه‌های سپهر اجتماعی بینجامد تا در نهایت، تعدیل لازم برای پویایی و حیات جامعه مفروض به دست آید. لذا با توجه به وضعیت نظام اجتماعی ایران و مسائل و مشکلات خرده نظام‌های آن از یک سو، و تأثیرات ناخواسته پذیرفته شده از نظام جهانی در اثر پدید آمدن فرایند «جهانی شدن» و ناممکن بودن برکناری از این تحولات، به نظر می‌رسد که نظام سیاسی ایران نیازمند مشروعیت روزافزون است؛ چرا که این نظام علاوه بر احتیاج به ثبات داخلی، براساس اهداف متصور رهبران و دست‌اندرکاران آن، سودای اثرگذاری نه تنها بر کشورهای منطقه خاورمیانه، بلکه ارائه الگویی از «مردم‌سالاری دینی» را دارد و مشارکت سیاسی شهروندان می‌تواند در این راستا در نیل به اهداف نظام یاری رساند.

پیشینه تحقیق

الف) تحقیقات خارجی

«انگوس کامپل»^۱، «بلارد راجز»^۲ و «فیلیپ کانورس»^۳ از اعضای اصلی مرکز پژوهش‌های پیمایش دانشگاه میشیگان در سال ۱۹۷۱ مطالعه‌ای درباره رضایت‌مندی از زندگی انجام داده‌اند. در این میان، بعد اساسی رضایت‌مندی، شاخص بیگانگی سیاسی معرفی گردیده است. در این پژوهش، نارضایتی و بیگانگی سیاسی، در میان ساکنان سیاه‌پوست ما در شهرها، جوانان و افراد دانشگاه رفته، رواج بیشتری داشته است (ازکمپ، ۹۳-۶۷: ۱۳۷۰).

انگلس در تحقیقی تحت عنوان «نژاد، طبقه و مشارکت سیاسی در امریکا» تأثیر طبقه فرد را بر مشارکت سیاسی او نشان داده است. تحقیق وی نشان می‌دهد که شاخص‌های طبقاتی (سواد، منزلت شغلی و درآمد) بر شاخص‌های سیاسی (رای دادن، رفتارهای سیاسی و تأثیرگذاری سیاسی) در هر دو نژاد سیاه و سفید تأثیر معنی‌داری دارد، ولی بین این دو نژاد به لحاظ میزان تأثیرگذاری اختلاف وجود دارد که به عوامل دیگر بستگی دارد. (Hamilton. 1972).

«بک»^۴ در سال ۱۹۸۲ در پژوهشی با استفاده از داده‌های مطالعه پانل به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر مشارکت سیاسی امریکاییها بین سالهای ۷۳-۱۹۶۵ پرداخته است. عواملی چون پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین، مشارکت سیاسی والدین، فعالیت جوانان در دبیرستان و گرایش‌های مدنی والدین تأثیر فراوانی بر مشارکت سیاسی نوجوانان داشته‌اند. این تحقیق نشان داده که تأثیر پایگاه والدین و گرایش‌های مدنی آنها تا حد زیادی غیر مستقیم است ولی مشارکت سیاسی والدین و فعالیت‌های نوجوانان در دبیرستان اثر مستقیمی بر مشارکت سیاسی آنها دارد. (Beck 1982:90-105).

«پل زیگموند» در امریکای لاتین به بررسی فرهنگ سیاسی و تأثیر مسیحیت بر آن می‌پردازد و پیدایش جهت‌گیریهای کاتولیکی جدید را به طرف سیاست در امریکای لاتین بعد از

1. A.Campel
2. B.Rojers
3. F.Kanvers
- 4- Beck

جنگ جهانی دوم تعقیب می‌کند و نشان می‌دهد که تغییرات حاصله در تفکر کاتولیکی نه تنها بر روندهای سیاسی تأثیر می‌گذارد، بلکه در آغاز، بوسیله این تغییرات سیاسی شکل می‌گیرد. (زیگموند به نقل از دیاموند 1994:211-228).

تحقیقات داخلی

مردوخی (۱۳۷۳)، تحقیقی با عنوان «مشارکت مردم در فرایند توسعه و طراحی برای سنجش» انجام داده است. در این بررسی مشارکت اجتماعی و سیاسی با میزان ارتباط و فعالیت افراد با نهادهای شورایی و مردمی و انجمن‌ها و فعالیت‌های محلی مشخص گردید و شاخص‌های کمیت‌پذیر مشارکت سیاسی و اجتماعی شامل موارد مشارکت در انتخابات، کارهای داوطلبانه، کارهای خیریه و عضویت در انواع انجمن‌ها و تجمع‌ها بیان شده است (مردوخی، ۱۳۷۳).

جهانگیر جهانگیری و داریوش باستانی به بررسی «عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی افراد ۲۰ سال به بالا در شهر شیراز» پرداخته‌اند. در این پژوهش از نظریات پارسونز، آلموند و وربا استفاده شده و در میان نمونه ۵۲۵ نفری پرسشنامه توزیع شده است. متغیرهای مستقل عبارتند بودند از: تحصیلات، محل سکونت، منزلت شغلی، میزان نفوذ بر تصمیمات خانوادگی، بحث اجتماعی در مدرسه، مشارکت در تصمیم‌گیری در محل کار، فراوانی صحبت کردن در مورد مسایل سیاسی، سن، جنس و وضعیت تأهل. متغیرهای جنسیت و جهت‌گیری ارزشیابانه به پرونده‌ها، فراوانی صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی با جهت‌گیری احساسی نسبت به پرونده‌ها و سن با جهت‌گیری شناختی نسبت به پرونده‌ها رابطه معنادار نشان داده‌اند. (جهانگیری و باستانی، ۱۳۸۰).

وزارت کشور ایران در سال ۱۳۸۱ پژوهشی را در مورد تمایل شهروندان به شرکت در انتخابات شوراها انجام داده است. روش انجام این تحقیق پیمایش بوده و برای گردآوری اطلاعات مورد نظر از پرسشنامه استفاده شده است. از نمونه‌گیری تصادفی و سپس به شیوه سهمیه‌ای و خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین افراد بالای ۱۴ سال جمعیت نمونه انتخاب شده است. متغیرهایی که بر مبنای نظریه‌های مطرح شده به عنوان عامل اثرگذار بر تمایل

شهروندان به شرکت در انتخابات شوراها مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: ارزیابی از عملکرد شوراها، میزان اعتماد به شوراها، ارزیابی امکانات و اختیارات شوراها، ارزیابی از میزان توانایی‌های شخصی و ویژگی‌های شوراها، ارزیابی و جایگاه شوراها در افکار عمومی، میزان اطلاعات و آگاهی‌ها در مورد شوراها و متغیرهایی شناسایی مانند سن، جنس، تحصیلات، شهر محل سکونت، قومیت، دین و مذهب. در قالب سوالات پرسشنامه، مهمترین ویژگی‌هایی که اعضای شورای شهر و روستا باید از آن برخوردار باشند از نظر شهروندان مورد بررسی قرار گرفته است (وزارت کشور، ۱۳۸۱).

جواد دیانتي نيت نیز به «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز» پرداخته است. (دیانتي نيت، ۱۳۸۲). حجم نمونه این تحقیق ۳۸۱ نفر بوده که با روش طبقه‌بندی تصادفی گردآوری شده است. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل دو متغیره پژوهش بیانگر این است که متغیرهای عضویت در انجمنهای داوطلبانه، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، فضای باز سیاسی و رسانه‌های گروهی با مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری داشته و به عبارت دیگر در افزایش آن نقش بسزایی داشته‌اند. (<http://Database.irandoc>)

بستانی (۱۳۸۴) پژوهشی راجع به «تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان و ارائه راهکارهای سیاست‌گذاری جهت تقویت این مشارکت» انجام داده است.

تحقیق مذکور با استفاده از روش پیمایش به بررسی جامعه دانشجویان دانشگاه تهران پرداخته است. مهمترین یافته‌های تحقیق بعد از تحلیل داده‌ها عبارتند از: مشارکت سیاسی دانشجویانی که تحصیلات مادرانشان بیشتر از سطح دیپلم بوده بیشتر از دانشجویانی است که تحصیلات مادرانشان زیر دیپلم است. مشارکت سیاسی دانشجویان با درآمد خانوادگی بالا، بیشتر از مشارکت سیاسی دانشجویانی بوده که درآمد خانوادگی پایین بوده است. (بستانی، ۱۳۸۴).

ایمان و منفرد در پژوهشی به «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز» پرداخته‌اند. برای انجام این پژوهش

۳۸۴ نفر آزمودنی از میان دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال دوم ۸۰-۷۹ بصورت تصادفی انتخاب و به پرسشنامه‌های تهیه شده پاسخ گفتند. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رضایت‌مندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد شیراز کم است. نتیجه تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای بیگانگی سیاسی، خانواده سیاسی، دوستان سیاسی، درجه مذهبی بودن و خاستگاه اجتماعی آزمودنی‌ها، با رضایت‌مندی سیاسی آنان ارتباط دارد. در تحلیل رگرسیون، شش متغیر بیگانگی سیاسی، رضایت تحصیلی، درجه مذهبی بودن، میزان استفاده از رادیو، سطح سواد مادر و جنسیت، پنجاه درصد از تغییرات رضایت‌مندی سیاسی را تبیین کرده‌اند. (ایمان و منفرد، ۱۳۸۵).

چارچوب نظری

بدیهی است که پدیده مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن را -خصوصاً در ایران- نمی‌توان با اتکاء به یک تئوری تبیین کرد. بنابراین در اینجا از رهیافت ترکیبی جامعه‌شناسی-روانشناسی اجتماعی بهره می‌گیریم. رهیافت‌های غالب در جامعه‌شناسی، عمدتاً اثباتی، تضادی و انتقادی هستند (ایمان، ۱۳۸۹). به اعتقاد مک کلاوسکی، مشارکت سیاسی، مجموعه «کنش‌های» داوطلبانه‌ای است که افراد یک جامعه، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، در انتخاب حاکمان و در شکل دادن به سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند. (Mccloky, 1972:251). در این پژوهش، عملیاتی‌سازی این مفهوم بر اساس تعاریف مشابه به تعریف فوق و در همین راستا انجام شده است. بر اساس نظریه «اثربخشی سیاسی»^۱، فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود می‌تواند بر فرایندهای سیاسی مؤثر واقع شود، آنها را کنترل کند و بر آنها نظارت داشته باشد؛ ضمن اینکه به ارضاء نیازهای سیاسی و اجتماعی و نیل به اهداف خود می‌پردازد. بر این اساس، هر چه که تصور فرد بر اثر بخش بودن فعالیت سیاسی‌اش شکل گرفته باشد، «اعتماد به نفس سیاسی»^۲ یافته و بر میزان مشارکتش می‌افزاید و بالعکس. این سخن را می‌توان به طور عامتر به میزان اعتماد به

1-Political Efficency

2- Political self -conridence

رسیدن به هدف افراد از لحاظ روانشناسی اجتماعی تعبیر کرد که اعتقاد راسخ تر و قاطعیت فرد در رسیدن به هدفش، باعث فعالیت مستمر و داشتن احساس مثبت تری در او می شود. (Dahll, 1984: 99). (فرضیه سوم پژوهش). شهروندانی که در اثربخشی فعالیت خود شک می کنند، یا خود را ناتوان از دخالت در امور می دانند، یا از پیچیدگی امور می ترسند، یا مسئولان را بی توجه به فعالیت ها و خواسته های خود می دانند، از اقدام به کنش های سیاسی می پرهیزند. کسانی که دارای میزان بالایی از اثربخشی سیاسی باشند، تمایلشان به مشارکت سیاسی بیشتر است. (Marger, 1981: 132). از این منظر می توان به موقعیت های مقتضی مشارکت سیاسی پرداخت؛ به این معنا که برخی موقعیت ها (چه فردی و چه اجتماعی)، فضای روانی و اجتماعی مناسبی را برای مشارکت سیاسی شهروندان فراهم می آورند. میزان پایین احساس اثربخشی سیاسی، فرد را از مشارکت سیاسی باز می دارد. وانگهی، انسان ها در کنش هایشان، منطق «فایده باوری»^۱ را رعایت می کنند (راش، ۱۳۷۷: ۱۴)، لذا، فضای کنشی که فراهم آورنده اقتضات مشارکت باشد (مثل به دست آوردن پست، پایگاه سیاسی یا موفقیت سیاسی)، مشوق افراد به مشارکت سیاسی بیشتر است. به عبارتی، موقعیت های مقتضی، باعث افزایش مشارکت سیاسی می شوند (فرضیه پنجم). فضای کنش مورد بحث، شامل رفتارهای حاکمان و نظام سیاسی هم می شود که موقعیت ها را چنان بسازند که مشارکت را افزایش دهد. (اختصاص مشوق ها و فوایدی به کنش سیاسی). به این ترتیب در فضای حاکم بر زندگی فرد، می توان موقعیت اقتصادی و طبقاتی فرد را هم ملحوظ داشت؛ چرا که فرد متأثر از این فضا و چارچوب است. مارکس هم، قدرت سیاسی را متأثر از طبقه اقتصادی می داند و معتقد است که طبقه حاکم اقتصادی، طبقه حاکم سیاسی نیز هست. (Marx and Engels, 1977: 110). هم چنان که مشهور است یکی از تفاسیر مهم از مفهوم زیر بنا و روبنای مارکس، این است که اقتصاد زیر بنا و تعیین کننده سیاست است. آن چه می توان از این حکم، مفروض گرفت این که پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در تعیین مشارکت یا عدم مشارکت فرد مؤثر واقع شود (فرضیه دوم). آلموند و پاول^۲ نیز در

1-Instrumental

2-Gabriel Almond & Bingham, powell

مباحث خود پیرامون فرهنگ سیاسی، به این نتیجه رسیده‌اند که خاستگاه اجتماعی و طبقاتی فرد در سطح مشارکت دخالت دارد. (آلموند و پاول، ۱۳۷۵). دال نیز با تأکید بر این که موقعیت‌های افراد در سطح مشارکت آنان مؤثر است، خصوصاً تأثیر میزان تحصیلات را بر میزان احساس اثربخشی افراد بررسی و تأیید می‌کند (سطح تحصیلات به عنوان یکی از مؤلفه‌های پایگاه طبقاتی) و بلافاصله می‌افزاید که پایگاه طبقاتی بر سطح و نوع ارتباطات و دسترسی به ارتباطات مؤثر است و مشارکت سیاسی را مُلهم و متأثر از این زنجیره می‌داند که فزونی دسترسی به ارتباطات (یا عوامل ارتباط جمعی)، فزونی مشارکت سیاسی را در پی دارد. (فرضیه دوم و هفتم). (Marger, 1981:237)؛ (March, 1981:968)؛ (Dahl, 1974:289). به باور آلموند و پای «رسانه‌های جمعی گذشته از رایه اطلاعات مشخص و فوری در مورد رویدادهای سیاسی، ارزشهای عمده‌ای را نیز که هر جامعه در مورد آنها توافق نظر دارد، به شکل مستقیم یا غیر مستقیم منتقل می‌سازند. (آلموند و پاول، همان- ص ۲۶). «دای و زیگلر» هم معتقدند که رسانه‌های ارتباطی جمعی، اثر سیاسی غیر قابل انکار و احتسابی بر سیاست و مشارکت سیاسی در جامعه می‌گذارند و در کنش سیاسی شهروندان (دخالت مستقیم دارند). (Zeigler & Dye, 1985:15). فرایندی که به «اجتماعی شدن سیاسی»^۱ می‌انجامد. از نظرگاه لرنر^۲، (که مُلهم از کارل دویچ^۳ است)، علت بلافصل مشارکت سیاسی بسیج اجتماعی است که عامل بسیج اجتماعی، ابتدا صنعت، سپس شهرنشینی است. در واقع گفته می‌شود شهرنشینی (محل سکونت) میزان مشارکت را افزایش می‌دهد. (Marger, 1981). در پی آن دو، سطح سوادآموزی و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی افزایش می‌یابد؛ چرا که وسایل ارتباطی جدید، نیازهای ارتباطی افراد را برآورده می‌کنند. لرنر بیان می‌کند که بسیج اجتماعی (برای انجام انواع کنش، مانند کنش سیاسی و یا حتی بسیج سیاسی) زمانی محقق می‌شود که فرد سنتی (در جامعه سنتی) آمادگی مواجهه، ادغام و همگرایی با محیط‌های متفاوت را بیابد. این فرایند، یعنی ایجاد یا

1-Political Socialization

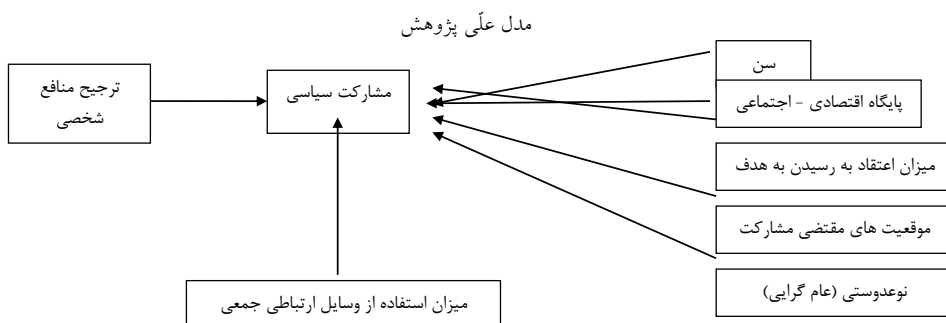
2-Daniel Lerner

3-Karl Deutshk

به وجود آمدن تغییرات روانی در فرد، وی را قادر می‌سازد که با محیط جدید، همنا و همساز شود. بدین ترتیب، انسان سنتی، با زندگی مدرن آشتی می‌کند. یکی از عوامل همگرایی، شبیه‌سازی افراد، یا گرایش به شبیه بودن به دیگران است؛ به این معنا که فرد قادر است خود را به جای دیگران بگذارد، پذیرای ایفای نقش‌ها و روابط جدید جامعه بشود، به طور رایگان در تشکلات و سازمان‌های جدید عضو شود و از طریق مشارکت، خواسته‌های سیاسی‌اش را مطرح کند (امیر کواسمی، همان، ص ۱۸-۱۶). در نتیجه این فرایند، فرد به عام‌گرایی یا نودوستی می‌رسد که (به باور ما)، بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر گذار است. (فرضیه ششم). (نک: گی روشه، ۱۳۷۷). عکس این رویداد هم می‌تواند به وقوع بپیوندد و فرد خاص‌گرا شده و منافع شخصی‌اش را بر منافع جمعی ترجیح دهد (فرضیه چهارم)؛ (نک: محمدی اصل، ۱۳۸۷).

در این محیط جدید، به تناسب گروه‌های رسمی، گروه‌های داوطلبانه، غیر رسمی و اولیه نیز پذیرای فرد متجدد هستند که در سپهر روابط اجتماعی، فرد عضوی از آنهاست و این گروه‌ها نیز بر میزان مشارکت سیاسی فرد تأثیر می‌گذارند. پدیده‌ای که از آن به «فشار گروهی» یاد می‌کند. عضویت در این گروه‌ها می‌تواند فرد را تشویق به/یا منع از مشارکت کند و بر عکس. میزان این اثرگذاری یا اثرپذیری به کم و کیف روابط وابسته است. (lipset, 1963: 189). البته میزان اثرگذاری گروه‌های غیر رسمی، در سنین مختلف متفاوت است. از نظرگاه جامعه‌شناسی، معمولاً هر چه سن بالاتر می‌رود، افراد محافظه‌کارتر شده و از میزان مشارکت سیاسی کاسته می‌شود. (فرضیه اول). بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی، به مقدار زیادی در سنین کودکی و نوجوانی انجام می‌گیرد. (Cordetal, 1985: 128).

به این ترتیب پدیده مشارکت سیاسی را نه می‌توان تنها به صورت تک عاملی تبیین کرد و نه تئوری‌های مختلف توان آن را دارند که به تنهایی تمام این پدیده را تبیین کنند.



روش شناسی

این تحقیق به روش «پیمایشی» انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری را دانشجویان دانشگاه آزاد واحد شوشتر تشکیل می‌دهند که با توجه به برآورد ترم دوم سال ۱۳۸۸ معادل ۱۶۰۰۰ نفر بودند. جهت انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چند مرحله‌ای و با استفاده از جدول لین (Line, 1987) برای انتخاب حجم نمونه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۵ درصد خطای نمونه‌گیری، جمعیتی معادل ۳۸۰ نفر تعیین شد. ابزار پژوهش استفاده از پرسشنامه‌ی سازمان یافته است که روایی و پایایی آن با مشورت پژوهشگران علوم اجتماعی (احتساب ضریب آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته) بالاتر از ۷ درصدی محرز شده است.

فرضیه‌های تحقیق

در این پژوهش ۷ فرضیه مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند:

- ۱- احتمالاً بین سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه وجود دارد.
- ۳- هرچه میزان اعتقاد به رسیدن به هدف بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیشتر می‌شود.

- ۴- بین میزان ارجحیت نفع شخصی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۵- هرچه موقعیت‌های مختلف، اقتضای مشارکت سیاسی بیشتری داشته باشند، مشارکت سیاسی دانشجویان بیشتر خواهد شد.
- ۶- هرچه فرد نودوست‌تر (عام‌گراتر) باشد، مشارکت سیاسی او بیشتر خواهد شد.
- ۷- هرچه جوانان استفاده بیشتری از وسایل ارتباط جمعی داشته باشند، میزان مشارکت سیاسی آنان افزایش می‌یابد.

نتایج و یافته‌ها:

الف) توصیف داده‌ها

جدول شماره ۱- میانگین و انحراف معیار برخی متغیرهای پژوهش

تعداد	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری متغیر
۳۸۰	۱/۰۷	۲۰/۵۵	سن
۳۸۰	۲/۶۶	۳۷۶	درآمد ماهیانه خانواده
۳۸۰	۳/۰۵	۱۱/۸۰	اعتقاد در رسیدن به هدف بالاتر
۳۸۰	۲/۸۵	۱۶/۲۲	اعتقاد به نفع شخصی
۳۸۰	۳/۹۸	۱۲/۴۷	موقعیت‌های مختلف اقتضای مشارکت
۳۸۰	۵/۸۲	۲۷/۹۶	وسایل ارتباط جمعی
۳۸۰	۷/۹۸	۴۳/۲۶	مشارکت سیاسی
۳۸۰	۳/۲۴	۲۰/۷	عام‌گرایی

جمعیت نمونه در این پیمایش شامل ۳۸۰ دانشجو: ۲۱۷ نفر (۵۷ درصد) دختر و نفر ۱۶۳ (۴۳ درصد) پسر می‌شود. با توجه به عناصر جدول شماره ۱، متغیر درآمد برحسب هزار

تومان در ماه سنجیده شده است. حداقل نمره آزمودنی در متغیر اعتقاد در رسیدن به هدف ۴ و حداکثر ۲۰ بوده است. حداقل نمره آزمودنی در متغیر اعتقاد به نفع شخصی، ۵ و حداکثر ۲۵؛ در متغیر موقعیت‌های مختلف اقتضای مشارکت، حداقل نمره ۴ و حداکثر ۲۰؛ در متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی، حداقل نمره ۱۲ و حداکثر ۶۰؛ در متغیر عام‌گرایی، حداقل نمره ۵ و حداکثر ۲۵ و در متغیر وابسته مشارکت سیاسی، حداقل نمره ۱۲ و حداکثر ۶۰ بوده که براساس طیف لیکرت محاسبه شده‌اند.

براساس یافته‌ها، حداکثر درآمد والدین در رده ۰-۳۰۰ هزار تومان با فراوانی ۸۷ (۲۲/۹ درصد) و کمترین فراوانی نیز در رده ۱۰۰۰۰۰۰-۹۰۱ تومان (۲/۶ درصد) است. در متغیر تحصیلات نیز، رده بی‌سواد ۳۴ نفر (۸/۹٪)، ابتدایی و راهنمایی ۱۲۶ نفر (۳۳/۲٪)، متوسط و دیپلم ۷۹ نفر (۲/۰۸٪)، فوق دیپلم و لیسانس ۱۱۰ نفر (۲۸/۹٪)، فوق لیسانس ۱۰ نفر (۲/۶٪)، دکترا ۱۹ نفر (۵٪) و حوزوی ۲ نفر (۰/۵٪) توزیع شده‌اند.

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که در رده سنی ۲۰-۱۸ سال، ۷۹ نفر (۲۰/۸٪)؛ در رده سنی ۲۳-۲۱؛ رده سنی ۲۶-۲۴ (۲۶/۶٪)، ۱۰۱ نفر و در رده سنی ۲۷ سال و بالاتر، ۹۳ نفر (۲۴/۵٪) توزیع شده‌اند. متغیر درآمد و تحصیلات مادر به دلیل خدشه‌دار بودن داده‌ها، از مدل پژوهش حذف شدند.

ب) تحلیل داده‌ها

فرضیه اول: بین سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد. به منظور بررسی رابطه بین این دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است

جدول شماره ۲: ضریب همبستگی بین سن و متغیر وابسته

متغیر	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان	-۰/۰۴	۰/۳۹

جدول نشان می‌دهد که ضریب همبستگی با ۰/۴٪ منفی و در سطح ۳۹٪ معنی‌دار نیست. به عبارتی، افزایش سن در جامعه آماری، افزایش مشارکت را در پی ندارد.

فرضیه دوم: بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه بالا لازم بود مؤلفه های پایگاه اقتصادی و اجتماعی (شغل، تحصیلات، درآمد) جداگانه با مشارکت سیاسی بررسی شوند.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون بین شغل پدر و متغیر وابسته

متغیر	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری
شغل پدر و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان	۰/۴۰	۰/۳

جدول نشان می‌دهد که ضریب همبستگی با ۰/۴٪ و در سطح ۰/۳٪ معنی‌دار نیست. بر این اساس، پرستیژ شغلی پدر در افزایش مشارکت سیاسی فرزند نقشی ندارد.

جدول شماره ۴: رگرسیون همزمان بررسی رابطه تحصیلات پدر با متغیر وابسته

مدل	B	Standardized coefficients Beta	R	R squar	T	Sig
عرض از مبدأ	۲۳/۸۷	۰/۲۰۳	۰/۲۰۳	۰/۰۴	۳۱/۸۷	۰/۰۰۰
تحصیلات	۱/۲۷				۰/۰۴	۰/۰۰۰

طبق نتیجه بالا، بین این دو متغیر رابطه وجود دارد به این معنا که افزایش تحصیلات پدر، افزایش مشارکت سیاسی فرزند را در پی دارد.

جدول شماره ۵: رگرسیون همزمان بررسی رابطه درآمد پدر با متغیر وابسته

مدل	B	Standardized coefficients Beta	R	R squar	T	Sig
عرض از مبدأ	۲۶/۱۲	۲۷	۰/۰۲۷	۰/۰۰۱	۳۶/۷۵	۰/۰۰۰
درآمد	۰/۰۸				۵۲/۰۰۰	۰/۶

نتایج نتیجه رگرسیون جدول بالا حاکی از آن است که بین متغیر درآمد پدر میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود ندارد. یعنی افزایش درآمد پدر، افزایش مشارکت فرزند را نتیجه نمی‌دهد.

فرضیه سوم: هرچه میزان اعتقاد به رسیدن به هدف بالاتر، بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۶: رگرسیون همزمان بررسی رابطه دسترسی به هدف بالاتر با متغیر وابسته

مدل	B	Standardized coefficients Beta	R	R squar	T	Sig
عرض از مبدأ	۱۸/۴۲	۰/۲۵۹	۰/۲۵۹	۰/۰۶۷	۱۱/۶۳	۰/۰۰۰
هدف بالاتر	۰/۶۷				۵/۲۱۰	۰/۰۰۰

جدول بالا نشان می‌دهد که بین متغیر دسترسی به هدف بالاتر و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش در نمره ی این مؤلفه با افزایش در نمره مشارکت سیاسی همراه است. به این معنا که هر چقدر فرد اهداف دوردست‌تری داشته باشد، سطح مشارکت او نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: بین میزان ترجیح نفع شخصی و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۷: جدول رگرسیون همزمان بین دو متغیر ارجح داشتن نفع شخصی و میزان مشارکت

سیاسی

مدل	B	Standardized coefficients Beta	R	R squar	T	Sig
عرض از مبدأ	۲۲/۵۳	۰/۰۸۶	۰/۰۸۶	۰/۰۰۷	۹/۵۵	۰/۰۰۰
نفع شخصی	۰/۲۴				۱/۶۷	۰/۰۹۴

نتایج نتیجه رگرسیون جدول بالا نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌ی ترجیح نفع شخصی و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود ندارد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تأیید نشده است. فرضیه پنجم: هرچه قدر موقعیتهای مختلف اقتضای مشارکت سیاسی بیشتری داشته باشند، مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۸: جدول رگرسیون همزمان بین متغیر اقتضای مشارکت و میزان مشارکت سیاسی

مدل	B	Standardized coefficients Beta	R	R squar	T	Sig
-----	---	--------------------------------	---	---------	---	-----

۰/۰۰۰	۱۳/۹۱۵	۰/۱۲۷	۰/۳۵۶	۰/۳۵۶	۱۷/۵۳	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۷/۴۱۵				۰/۷۱۴	موقعیتهای مختلف اقتضای مشارکت

نتایج نتیجه رگرسیون جدول بالا حاکی از آن است که بین مؤلفه موقعیت‌های مختلف اقتضای مشارکت و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه موقعیت‌های مختلف فرد اقتضای مشارکت را فراهم کنند، میزان مشارکت بیشتر می‌شود. فرضیه ششم: هرچه قدر میزان نوع دوستی (عام گرایی) بالاتر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیشتر است.

جدول شماره ۹: جدول رگرسیون همزمان بین متغیر عام گرایی و میزان مشارکت سیاسی

Sig	T	R squar	R	Standardized coefficients Beta	B	مدل
۰/۰۰۰	۸/۵۲	۰/۰۰۹	۰/۰۹۴	۰/۰۹۴	۲۱/۸۰۳	عرض از مبدأ
۰/۰۶۷	۱/۸۳				۰/۱۷	نوع دوستی

نتایج نتیجه رگرسیون جدول بالا که بین متغیر نوع دوستی و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود ندارد. این فرضیه نیز تأیید نمی‌شود.

فرضیه هفتم: هرچه قدر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیشتر است.

جدول شماره ۱۰: جدول رگرسیون همزمان بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و متغیر وابسته پژوهش

Sig	T	R squar	R	Standardized coefficients Beta	B	مدل
۰/۰۰۰	۹/۴۰	۰/۰۴	۰/۲۰۶	۰/۲۰۶	۱۸/۵۲	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۴/۱۰				۰/۲۸	وسایل ارتباطی

نتایج نتیجه رگرسیون جدول بالا حاکی از آن است که بین مؤلفه‌ی استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه هفتم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره ۱۱: متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون چندگانه در مشارکت سیاسی

Sig	T	R squar	R	Standardized coefficients Beta	B	مدل ۳
۰/۰۲۸	۲/۲۰۷	۰/۲۲	۰/۴۷		۵/۰۳۰	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۸/۰۷۵			۰/۳۶۷	۰/۷۳	موقعیتهای مقتضی مشارکت
۰/۰۰۰	۵/۴۵			۰/۲۴۹	۳۴	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
۰/۰۰۰	۴/۷۳			۰/۲۱۶	۳۵/۱	تحصیلات

نتایج نشان می‌دهند که از این میان متغیرها، تحصیلات پدر، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و موقعیتهای مقتضی مشارکت با متغیر وابسته در ارتباطند. به عبارت دیگر افزایش در نمره‌ی این متغیرها با افزایش در نمره‌ی مشارکت سیاسی همراه است.

نتیجه‌گیری و بحث

این پژوهش به منظور تبیین جامعه شناختی پدیده مشارکت سیاسی انجام شد. در مجموع گرایش به مشارکت سیاسی در میان دانشجویان، متوسط رو به به پایین است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که متغیرهای سطح تحصیلات، اعتقاد به رسیدن به هدف، موقعیتهای مقتضی مشارکت و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، با مشارکت سیاسی در ارتباطند. تحلیل آماری و رگرسیون چند متغیره سه متغیر تحصیلات، میزان بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی و موقعیتهای مقتضی مشارکت را وارد معادله کرده‌اند.

مشارکت سیاسی طیف وسیعی از فعالیت‌هایی است که شرکت در انتخابات و همه‌پرسی‌ها، کسب اطلاعات سیاسی، کمک مالی به فعالیت‌های سیاسی، مذاکره با نمایندگان، عضویت در احزاب سیاسی، تبلیغ برای احزاب سیاسی، نوشتن مقالات، انجام سخنرانی‌های سیاسی، شرکت در مبارزات سیاسی، رقابت برای احراز مناصب سیاسی، شرکت در اعتصابات و راهپیمای‌های سیاسی را در برمی‌گیرد. (McClosky, 1992 : 252).

در فرآیند مشارکت سیاسی، نقش نخبگان جامعه (مانند دانشجویان) به مثابه گروه مرجع بسیار کارکردی است. مشارکت سیاسی هم عامل آغاز توسعه سیاسی و هم ضامن بقای آن است (شرط لازم برای توسعه اجتماعی و سیاسی و هم نتیجه آنها). (Donavan , 1986: 320). برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که نظام سیاسی را قدرتمندترین قشر یا طبقه اجتماعی کنترل می‌کند و آن را وسیله تحقق اهداف و آرمان‌ها و منافع خود قرار می‌دهند. برخی دیگر از جامعه‌شناسان، نظام سیاسی را محل تنازع نیروهای مختلف دانسته و برآیند این نیروها را تعیین کننده جهت حرکت جامعه و تحولات آن می‌دانند. (نک: کوزر، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، گروه‌هایی که با آگاهی و توانمندی سیاسی در عرصه سیاست مشارکت دارند، سهم بیشتری از قدرت سیاسی را به خود اختصاص داده و مسیر توقف یا توسعه جامعه را مشخص می‌کنند. اگر نظام سیاسی در کنترل قشر یا طبقه‌ای خاص باشد، گروه‌هایی که با آگاهی و سازماندهی وارد فعالیت سیاسی شده باشند، می‌توانند مانع تعدی گروه‌های حاکم شده و سرکوب سیاسی را واپس بزنند. هم چنین، اگر نظام سیاسی محل رقابت نیروهای مختلف سیاسی باشد، گروه‌های خود-سازمانده، قادرند و امکان آن را دارند که از لحاظ سیاسی مقتدر شده و در فرآیندهای سیاسی مؤثرتر واقع شوند. دانشجویان در ایران به عنوان قشر فرهنگی-اجتماعی وسیع (و دارای عنصر آگاهی سیاسی، سازماندهی و بسیج سیاسی) از طریق مشارکت سیاسی نهادینه شده قادرند در بهبود و تسریع توسعه سیاسی از طریق مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشند. مطالعات در کشورهای اروپایی و آمریکایی نشان می‌دهند که در کشورهای دموکراتیک نقش سیاسی دانشجویان در تکوین فرهنگ سیاسی بسیار وسیع و کارآمد بوده است. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۸۰). ریچارد همیلتون هم نشان داده که قشر تحصیل کرده و دانشگاهی در کشور ایالات متحده آمریکا بر مشارکت سیاسی فعالانه دیگر اقشار مردم نفوذ فراگیر دارند (Hamilton, 1972). در واقع برای رفع تبعیض و ارتقای منزلت و موقعیت هر قشر اجتماعی، یکی از راه‌های مؤثر، تبدیل شدن آن قشر به نیروی اجتماعی و سیاسی است. ارتقای مشارکت سیاسی جوانان در جامعه- صرف نظر از مطالعات تطبیقی-تجربی، نقش به‌سزایی در توسعه اجتماعی و سیاسی خود و جامعه متبوعشان دارد. در تئوری‌های متنوع روانشناختی و

جامعه‌شناختی، متغیرهای فردی و اجتماعی مرتبط با سطح و میزان مشارکت سیاسی فراهم آمده‌اند: اعتماد سیاسی، سودمندی و اثربخشی باعث مشارکت سیاسی فعالانه می‌شوند؛ منزلت شغلی، محل زندگی، میزان و نوع تحصیلات و قومیت بر میزان مشارکت سیاسی اثرگذارند؛ نوع ساختار سیاسی و اجتماعی (اقتدارگرا و توتالیترا یا دموکراتیک)، فرهنگ سیاسی، رسانه‌های ارتباطی همگانی و ... نیز در معادلات تئوریک اهمیت خاصی یافته‌اند. چندان که پیشتر آمد، متکای این پژوهش نیز همان تئوری‌ها بوده است که صورتی ترکیبی از آنها مورد توجه قرار گرفته است. در تحلیل نهایی نیز سه متغیر تحصیلات پدر، میزان استفاده از وسایل ارتباطی جمعی و موقعیت‌های مقتضی مشارکت مؤثرترین متغیرها بر میزان مشارکت سیاسی در میان دانشجویان بودند. در پژوهش دیانتی (۱۳۸۲) نیز متغیر رسانه‌های جمعی؛ در پژوهش ایمان و منفرد (۱۳۸۰) متغیر رسانه‌ها؛ در پژوهش جهانگیری (۱۳۸۰) متغیر تحصیلات؛ در پژوهش بک (۱۹۸۲)، داشتن اهداف دوردست‌تر و در پژوهش کاپل و همکارانش (۱۹۷۱)، موقعیت‌های فراهم آورنده مشارکت سیاسی به تحلیل گذاشته شده و اثرگذاری آنها بر مشارکت سیاسی محرز شده‌اند. البته بدیهی است که نوع جامعه‌پذیری سیاسی و تعامل یا تقابل میان حکومت و مردم در همه کشورهای مشابه نیست، لیکن توجه به نوع فرآیند اجتماعی شدن و تربیت سیاسی افراد در افزایش یا کاهش میزان مشارکت سیاسی اهمیت خاص دارد. رفتار سیاسی دانشجوی علاوه بر تأثیر از عوامل درون دانشگاهی، از فضای برون دانشگاهی هم متأثر است. خاصه در نیمه‌روستا-شهرهایی (چون شوشتر) که از محرومیت اقتصادی و فرهنگی (نبود روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، باشگاه سیاسی و...) در رنج است و فاصله بسیاری با نقطه آغاز توسعه (به معنای عام) دارد، محیط و شرایط حاکم بر رفتار سیاسی دانشجوی (در این پژوهش متغیر موقعیت‌های مقتضی مشارکت) حایز اهمیت و در خور مطالعه و بررسی است. این دست پژوهش‌ها مهم‌اند چون موجب برون‌رفت از وضعیت عقب‌ماندگی و شکافتن پوسته سنت به عنوان مانع فرآیند توسعه سیاسی با استفاده از «روش از پایین» می‌شوند. از منظر پارادایم سیستمیک نیز تغییر و تحول در هر خرده سیستمی از جامعه (مانند خرده سیستم سیاست)، منتهی به ایجاد

تغییراتی در دیگر حوزه‌های سپهر اجتماعی می‌شود تا در نهایت، تعادل لازم برای پویای و حیات هر جامعه‌ای به دست آید. «سیستم‌هایی که بر حسب روابط میان افراد و میان اجزاء و کل درک می‌شوند» (پل هریسون، ۱۳۸۶: ۲۳). آغاز ایجاد فضای مناسب برای افزایش مشارکت سیاسی از سوی مردم (روش از پایین) یا از سوی حکومت (روش از بالا) همچنان محل منازعه است. لیکن به نظر می‌رسد در کشورهایی که تازه روند دموکراتیزاسیون را شروع کرده‌اند و هنوز عناصری از فرهنگ اقتدارطلبی را با خود دارند، آغازگر این روند بایستی نظام سیاسی باشد تا با ایجاد فضای مناسب مشارکت سیاسی مانند تشکیل احزاب سیاسی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و موارد دیگر، زمینه‌ساز توسعه سیاسی شود.

پیشنهادات:

- تغییر نگرش مردم نسبت به حوزه سیاست و فعالیت‌های سیاسی توسط کارگزاران نظام سیاسی؛ (ترس از پاسخگویی به پرسش‌های این پژوهش در میان آزمودنی‌ها بسیار بود).
- تجدید نظر در محتوای دروس دبیرستانی و دانشگاهی در جهت غنی‌سازی محتوای دانش سیاسی آنها؛
- ملزم کردن احزاب و سازمان‌های سیاسی به داشتن یک شاخه‌ی دانشجویی؛
- الزام قانونی مسئولین سیاسی جامعه در پاسخ به ابهامات سیاسی دانشجویان و ارتباط منظم با آنها؛
- توجه به وضعیت مالی - معیشتی قشرهای پایین جامعه؛
- مطرح کردن دانشجویان فعال سیاسی در رسانه‌های جمعی برای نشان دادن توانایی‌های سیاسی آنان به مردم به عنوان نخبگان سمبلیک؛
- انتقال خواسته‌های دانشجویان به حاکمیت و انجام اصلاحاتی در جهت از بین بردن مقاومت در برابر خواسته‌های آنان؛
- ایجاد فضای باز سیاسی در رسانه‌های جمعی مجازی و غیر مجازی؛

منابع فارسی

- اختر شهر، علی- ۱۳۸۷، «مشارکت سیاسی و نقش آن در امنیت ملی»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۳۱، سال هفدهم.
- اخوان کاظمی، مسعود، ۱۳۷۷، «توسعه سیاسی و جامعه مدنی»، اطلاعات سیاسی/اقتصادی، شماره ۱۲۷/۱۲۸، فروردین و اردیبهشت.
- ازکمپ، الف، ۱۳۷۰، «روان شناسی اجتماعی کاربردی»، ترجمه فرهاد ماهر، مشهد: موسسه آستان قدس.
- امیر کواسمی، ایوب، ۱۳۷۶، «نگرش جامعه شناسی بر مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، شماره بهار.
- ایمان، محمدتقی، ۱۳۸۹، «مبانی پارادایمی روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمد تقی و منفرد، ۱۳۸۵، «بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر رضایتمندی سیاسی در دانشجویان دانشگاه آزاد شیراز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره پیاپی ۴۷.
- آلموند، گابریل و پاول، بینگام، ۱۳۷۵، «جامعه پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی / اقتصادی، بهمن و اسفند.
- باقری، محمدرضا، ۱۳۷۷، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهر شیراز»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه شیراز.
- بستانی، حسن، ۱۳۸۲، «بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان و ارائه راهکارهای مناسب جهت تقویت این مشارکت»، پایان نامه جامعه شناسی دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین، ۱۳۷۶، «جامعه شناسی سیاسی»، چ دوم، تهران: نشر نی.
- پل هریسون، ۱۳۸۶، «لومان و نظریه نظامی اجتماعی» ترجمه یوسف اباذری در: «نظریه سیستمها» (مجموعه مقالات)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- پناهی، محمدحسین، ۱۳۸۶، «جامعه شناسی مشارکت سیاسی زنان»، چ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- تنهایی، ابوالحسن، ۱۳۷۴، «درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی»، چ اول، تهران: موندیز.
- حبيب زاده، فهيمه، ۱۳۸۲، «بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه الزهرا.
- دال سیونگ. یو، ۱۳۸۱، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، تهران: خانه سبز.
- دال، رابرت، ۱۳۶۴، «تجزیه و تحلیل جدید سیاست»، ترجمه حسین ظفریان، تهران: نشر نی.
- دواس، دی. ای، ۱۳۷۶، «پیمایش در تحقیقات اجتماعی»، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- دوورژه، موریس، ۱۳۶۹، «جامعه شناسی سیاسی»، ترجمه ابوالفضل قاضی، ج دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- دیانتی، جواد، ۱۳۸۲، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تبریز.
- راش، مایکل، ۱۳۷۷، «جامعه و سیاست»، ترجمه منوچهر صبوری، چ اول، تهران: سمت.
- راش، مایکل، ۱۳۸۱، «جامعه و سیاست»، ترجمه منوچهر صبوری، چ دوم، تهران: سمت.
- رضایی، ع، «مشارکت اجتماعی: وسیله یا هدف توسعه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی / اقتصادی، شماره ۱۰۹/۱۱۰، مهر و آبان.
- رضی، داوود، ۱۳۷۴، «بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات هشت دوره ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۳، «روشهای تحقیق در علوم اجتماعی»، چ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- سراج زاده، حسین، ۱۳۶۸، «بررسی میزان مشارکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- صدیق اورعی، غلامرضا، ۱۳۷۸، «جامعه شناسی مشکلات اجتماعی جوانان»، چ اول، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- علوی تبار، علیرضا، ۱۳۷۹، «مشارکت مردم در امور شهرها»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره

-کازنو، ژان، ۱۳۷۰، «جامعه شناسی ارتباطات»، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

-کریمیان، علیرضا، ۱۳۸۱، «جنبش دانشجویی در ایران»، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

-کوزر، لوئیس، ۱۳۸۴، «نظریه‌ی تقابل‌های اجتماعی»، ترجمه عبدالرضا نواح، نشر رسش

-گروترز، چارلز، ۱۳۷۸، «جامعه شناسی مرتن»، ترجمه زهره کسای، چ اول، تهران: نشر اختران.

-گی روشه، ۱۳۷۹، «جامعه شناسی تالکوت پارسونز»، ترجمه ع. نیک‌گهر، انتشارات تبیان

-محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۳، «بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

-محسنی، منوچهر و جارالهی، عذرا، ۱۳۸۲، «مشارکت اجتماعی در ایران»، چ اول، تهران: انتشارات آرون.

-محمدی اصل، عباس، ۱۳۸۷، «جامعه شناسی تالکوت پارسونز»، نشر علم

-مردوخی، بایزید، ۱۳۷۳، «مشارکت مردم در فرایند توسعه و طراحی برای سنجش میزان آن»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶، سال دوم.

-مصفا، نسرین، ۱۳۷۵، «مشارکت سیاسی زنان در ایران»، چ اول، انتشارات وزارت امور خارجه.

-معین، محمد، ۱۳۸۴، «فرهنگ فارسی»، چ اول، تهران: انتشارات ثامن.

-مک فرسون، کرافورد برو، ۱۳۷۶، «زندگی و زمانه دموکراسی لیبرال»، ترجمه مسعود پدram، تهران: نشر نی.

-وزارت کشور، ۱۳۷۸، «مجموعه مقالات حزب و توسعه سیاسی»، کتاب اول، تهران: همشهری.

-هابرماس، یورگن، ۱۳۸۱، «بحران مشروعیت»، ترجمه جهانگیر معینی، تهران: گام نو.

-هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی»، ترجمه محسن ثلاثی، چ اول، تهران: نشر ثالث.

-هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۳، «موج سوم دموکراسی»، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

-Almond, G.A & S.Verba. 1963 . Civic Culture, Political Attitudes & Democracy In Five Countvies . little Btown & Company.

-Bek, A . P . M . Jennigs . 1982 . Path ways to Paricipation . American Political Science Review . vol 760. No 24.

- Bloker, M.J.& Sherkat, P. E. 1994. The Political Development Of Sixties Activists Identifying. The Influence Of Class, Gender And Socialization On Participation, Social Force, 72.
- Bundara. 1982. Self Efficacy Mechanism in Human Agency, In American Psychologist.
- Dahl, Robert. 1984. Modern Political Analysis. New Jersey : Prentice Hall.
- Dahl, Robert. 1974. Who Governs?. Yale university Press.
- Diamond, L. 1984. Political Culture & Democracy In Developing Countries, Lynne Rienner Publishers.
- Dows, Robert , E & Hughes , Johns A. 1971. Girl, Boy And Politics. British Journal Of Sociology , vol 22.
- Hamilton , Richard. 1972. Class And Politics In The United States. Newyork and London.
- <http://Database.irandoc>
- line, Nan . 1978. Foundations of Social Research. Newyork . Mccrou ltil, Inco.
- Lipset, S. M. 1983. Political Man. Newyork: Anchor Books.
- Lipset, Seymour. 1963. Political Man. Newyork.
- Marx & Engels. 1917. Selected Work In Three Volumes. Vol 2. Progress Publisher, Moscow.
- McCloy, E. 1972. The International Encyclopedia Of The Social Sciences. Newyork : The MwcMilan Company.